

# تیرماه گذشت

## خسته نباشید



کمتر حسابداريست که پس از بازگشتن از تعطيلات نوروزی به کار " بستن حسابها " ی سال گذشته ، گرفتارنشود . وحتسسی آن دسته از حسابدارانی که درمسئولیتهای مشخص حسابداری وامورمالی فعالیت نمی کنند، نیز معمولا" به نحوی دراین کاردرگیر می شوند . حتی دربرخی از سازمان ها ، تلاش مضاعف ایشان ، پیش از پایان سال وبا " انبارگردانی " آغاز میشود . که دراین موقعیتها حسابداران این موسسات ناگزیرند که روزهای ازتعطيلات نوروزی رانیز به این مهم بپردازند . اماکار ، بیشتر پس از عیداست که بالا می گیرد وهرچه به پایان تیرنزدیک تر ، بالاتر . اتفاقا" دریکی ازهمین روزهای پایان تیرماه جاری گذرم به دفتر دوست حسابداری افتاد . دیدم پشت میزش نیم خیز ایستاده وهیجان زده به گفتگوئی تلفنی مشغول است . مخاطب حوزه ی مالیاتی وموضوع ، پرسش درباره ی آخرین فرصت ، آخرین روز تسلیم اظهارنامه مالیاتی بعلت تقارن آن باروز تعطیل بمناسبت عید مبارک غدیر بود . حوزه جواب قطعی به ایشان ندادند ودوست من بانگرانی خداحافظی کرد وگفتگو رابه پایان برد . وهیجان زده ازاینکه مبادارویدادی غیرمترقبه تسلیم اظهارنامه رابه موقع ، ناممکن سازد .

بدیهی است این " مشکل " فقط از آن دوست من نبوده و مبتلا به برخی یابسیاری وحتى اکثریت حسابداران است .

اگرچنین است ، راستی چراتاکنون به رفع آن نپرداخته ایم ، چنان بدیهی است که چنین نکرده ایم که اگر کرده بودیم ، امروز یعنی امسال نیز مثل سالهای پیش و هر سال این مشکل رانداشتیم . اصلا" انکار آنرا جدی نگرفته ایم . وحتى بعضا" اگر به آن فکسر کرده ایم ، نسبت به حل آن پیگیر نبوده ایم و باگذشتت زمان و گذشتن از تیرماه هر سال آنرا زیاد برده ایم . اما انکار میشود در هر زمان و هرچه زودتر و در همین زمان یعنی همین امسال درصددبرآئیم که به بررسی آن بنشینیم و نسبت به رفع آن اقدام کنیم . حرف خیلی نامانوسی نیست . پس ما به سهم خویش آغاز می کنیم .

اما، پیش از پرداختن به آن ، بدنیست که به مشکلاتی از این قبیل نیز که در سایر جنبه های زندگی با آنها برخورد داریم اعم از این که جزئی یا اساسی باشند ، اشاره ای داشته باشیم . فی المثل به خانه تکانی شب عید - که باگذشتن از کوچه ای در ساعات وحتى دقیایقی قبل از سال تحویل میتوانیم شاهد خانه های بسیاری باشیم که ساکنین آن باچه شتاب واضطرابی با جارو و چکش و دستمال و زمین شورو آچار به کار سامان بخشیدن به نظافت و نظم و ترتیب خانه ی خویشند . و چه بسا برخی از ایشان از عهده ی اجرای بی برنامه گی زمانبندی شده ی خود بر نمی آیند و کار به پس از تحویل سال می انجامد . حتی اگر متخصصین این امر ادعا کنند که با چنین کاری میخواهند تحول نظم و ترتیب خانه را با تحویل سال مقارن گردانند ، با کمی دقت و به ظرافت اگر که قدری کوتاه ببایند ، میشود اقناعشان کرد که اگر پنج روز پیش از پایان سال نیز چنین شود ، هیچ اتفاق مهمی روی نخواهد داد . وقاعنتانظم و ترتیب بوجود آمده ، حفظ شده و دست نخورده باقی خواهد ماند . اما چنانچه این مورد دلیل تکنیکی داشته باشد ، لا اقل گذار اکثریت ما به یکی از ترمینالهای مسافربری یا راه آهن یا فرودگاه که افتاده و به دفعات شاهد حرکت شتابان و ورود

باعجله بسیاری به این مکانها بوده ایم که آدمی بادیدن رفتارشان احساس میکند که بیشتر از آنکه مترصد باشند که در زمانی معین در مکانی معین باشند انگار از جایی معلوم به جایی نامعلوم در حال فرارند . ایشان دیرازمبدأ راه افتاده اند و نگرانند که به موقع به مقصد و وسیله ی مسافرت نرسند و بسیاری از این قبیل . و بعنوان آخرین نمونه اقدامات بیشترین کسان در مواجهه با بیماری . کسه شاید بیشترین ماتا آنگاه که کاملاً روال عادی زندگی به این علت از دست نرود ، کمتر به علاج اقدام میکنیم . اگر خانه تکانی ، اگر مسافرت اموری فرضاً " جدی نباشند ، جان که اصلاً شوخی نیست .

باری گویا ماباطرح موضوع بستن حسابها و در پیی آن مسئله خانه تکانی یا مسافرت و مراجعه به طبیب ناخود آگاه و ناخواسته به جائی رسیدیم که بتوانیم بگوئیم مضمون تمامی این مشکلات ، متاثر از روش زندگی و بالطبع شیوه تفکر و تعقل حاکم بر زندگی ماست . امانه ، ناخواسته ، و نه ، ناخود آگاه نبوده ، بلکه خواسته و آگاهانه ، خواسته بودیم به این نتیجه برسیم که شیوه ی کار ما ، متاثر یا مشابه شیوه ی زندگی ماست .

اگر چه در اکثریت سازمانها پایان یافتن کار بستن حسابها تا پایان تیرماه بهر صورت سرانجام میگیرد . و خانه تکانی هانیز اکثراً " دقایقی پیش از پایان سال مورد خانه تکانی پایان می گیرد و مسافرین محترم نیز در بسیاری موارد ، لااقل در زمانی که مسئول سوار کردن مسافرین دارد آخرین داد و بیدادها را به نفع مسافر بجامانده می زند ، معمولاً به اتوبوس می رسند . و بیماران نیز پیش از مرگ سه سراب نوشدارو را در می یابند . اما در عین حال نگارنده ی این سطور بیاد دارد که سازمانی متشکل از تعداد قابل توجهی شرکت های تولیدی را شاهد بوده و با چشم خودش دیده که کلیه ی این شرکت ها صورت های مالی و یادداشتهای همراه آنرا بصورتی ماشین شده ، جلد شده و مرتب و منظم در پایان اردیبهشت ماه ، " اردیبهشت ماه ۲۰۰۰ ؟ " بلی ، به مقامات مجمع و به بازرسان قانونی و حسابرسان ارائه داده اند . راقم

این سطور کور شود اگر ذره ای در بیان این واقعیت کم و زیاد کرده باشد . ویابریخی دیگر که از تراکم کار در آخرین فرصت ها و بیسروز هیجانان و خستگی های ناشی از آن احتراز کرده اند . و همچنان که در مورد فعالیت های موضوع مثال های این مقاله ، که کار را بموقع انجام داده اند . و یعنی آنکه در کنار آنچه که خود را به صورت قاعده ای بر ماویه علت عدم تحرك کافی مادر قبال آنها ، تحمیل کرده است . استثنای قابل توجهی نیز هست . و که این استثنای ما خبر یا هشدار می دهد که انجام کارها ، به صورتی مطلوب تر ، شدنی است .

اما ، متاسفانه روش کلی کار ، در این موارد ، بیشتر همانست که در متن مثالها آمد .  
و چرا چنین است ؟

برای آنکه ما بیشتر یا بعضا " به مشکلات تسلیم میشویم . و به آنها باتکیه دادن به مکانیسم های ارقییل " عادت " گردن می نهیم . و نگرانیم که شاید ترك عادت موجب مرض گردد . و رنج همیشگی ناشی از مشکلات عادت شده را به نحوی دائمی تحمل می کنیم تا رنج موقتی جراحی مشکلات عادت شده را تحمل نکرده باشیم . و در نظر نمی آوریم که اگر به روش بهتر کار دست پیدا کنیم ، به آن نیز عادت خواهیم کرد ، فقط رنجی مضاعف بر ما تحمیل نشده است . اما اگر قبول مشکل و ناراستی در زندگی شخصی به خود ما مربوط باشد ، در برخورد با مشکلات سازمانی با مسئولیت اجتماعی مواجهیم . و نسبت به حل و فصل آن مسئولیت خواهیم داشت . و مشکل موضوع مقاله ی ما ، از این دست است و علاوه بر ما ، و بر خانواده ی ما و بر سازمان ما اثر دارد که اهم این آثار اینهاست :

۱- يك يك ما حسابداران را برای مدتی از سال با خستگی ، اضطراب و هیجان شدید مواجه می سازد . که تاثیر این حالات بر وجود ما کم مخرب نیست .

۳. روابط ماراباخانواده تحت تاثیر قرار می دهد و امکان همکاری ، هماهنگی و تعامل شایسته باخانواده را از ما سلب می کند . که آثارچنین وضعی نیز ، با تسلیم اظهارنامه و درپایان تیرماه ، لزوماً پایان نمی گیرد .

۴. در جریان روابط مابا بخش های غیر مالی سازمان اختلال ایجاد می کند و همکاری و جوابگوئی ماراباوبه آنها کاهش می دهد . و در نتیجه مارا در موقعیتی کمتر موجه قرار می دهد و بالتبع تسبیح بسر روند .  
تخصیص اهداف سازمان مالی تاثیر نامطلوب می گذارد .  
۵. بصورت مشخص ایفای مسئولیت را در انجام وظایف سازمانی لاقبل برای دوره ای مختل می گردانند .

یعنی آنکه هیچ چیز و هیچ کس و هیچ جا از گزند اثرات مشکلی که به حل آن قادر بوده و تاکنون به آن اقدام نکرده ایم ، در امان نیست .

شکی نیست اما که وجود چنین مشکلاتی و بویژه هنگامی که عوام و همگانی باشد خصیصتی اجتماعی نیز داشته و از مشکلات اجتماعی نشأت می گیرد . و عوامل بی شماری ارقبیل عوامل اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی در بروز آنها ذیمدخلند . این واقعیت اما ، به هیچ روی از مسئولیت ما در حل آن و یاهمکاری صمیمانه در این باره و در جهت بهبود بخشیدن به زندگی شخصی ، خانوادگی ، سازمانی و اجتماعی نمی کاهد .

چه باید کرد ؟

- باید قبول کرد که با مشکل موجود و مزمونی مواجهیم .
- باید واقعیت این مشکل را به دقت شناخت .
- باید علل و عوامل آنرا تشخیص داد .
- باید راه حل آنرا جستجو کرد .

اما ، در اینجا بر آن نیستیم که توضیح و پیشنهادی را در این باره به حسابداران عرضه کنیم . زیرا که بر آنیم اگر مشکلی همگانی

است چه نکوتر آنکه بامشارکت ومساعدت همگان به حـل آن اندیشیده وبه رفع آن پرداخت .  
این مشکل ، " مشکل " حرفه ی ماست .

ازاین رو دراین نخستین شماره پس از پایان تیرماه ، یعنی در اولین فرصت به حسابداران وتمامی دست اندرکاران وکارگزاران حرفه ی مالی وبه خاطر تلاش فراوانی که دراین سال دراجرای قوانین ومقررات ورعایت شئون حرفه مبذول داشته اند ، می گوئیم :  
" خسته نباشید " بیش ازاین اما ، بعنوان نشریه انجمن حسابداران خبره ایران از خوانندگان گرامی نشریه وازاعضای محترم درخواست می کنیم هرگونه برداشت ، قضاوت یانظری که در این باره دارند ، آنرا بصورت ماشین شده ، دست نویس وحتسسی مدادی ، اما خوانا وقابل استفاده وبهرشکل وصورتی که مایلند در یک سطر یا بیش از آن دریک مقاله ارائه نمایند . وحتی هررویداد ویژه ای که درجریان بستن حسابها به نحوی مشخص توجه ایشان را جلب نموده به مامنتقل کنید . ومااطمینان می دهیم که به بررسی تمامی آنها بامشارکت اعضا فعال انجمن وبادقت کافی بپردازیم . و راه حلها وتوصیه ها وپیشنهاداتی که ازدل این لطف شما برآید ، ازطریق نشریه به شکلی مدون به شما ارائه نمائیم وآرزو کنیم که بردل شما بنشینند . وتیرماه آینده وبعدی ، شماحسابداران را در فراغتی مناسب وبانشاط تر ببینیم .

بقیه از صفحه ۳۶

" موافقتهایی که به منظور تبادل منافع درآینده بعمل می آید ، درحکم تعهدات انجام نشده طرفین موافقت بوده وقابل ثبت نیست تا زمانی که یکی از طرفین حداقل قسمتی از تعهدات خود را انجام داده باشد ، به استثنای برخی اجاره های بلندمدت یازبانهای مربوط به تعهدات قطعی که می بایست به ثبت برسند " .

مأخذ :

Accounting Theory, Eldon S. Hendriksen Fourth Edition  
chapter 17 Liabilities and Their measurement



انتظارات بایستی معقول باشد. اگر تعهدی با احتمال ۹۰٪ معادل ۱۰۰ هزار دلار و با احتمال ۱۰٪ صفر باشد، ارزش منتظره ۹۰ هزار دلار خواهد شد و این مبلغ رقم معنی‌دار برای بدهی خواهد بود. بخصوص اگر احتمالات بر مبنای تجارب گذشته باشد. از سوی دیگر اگر تعهدی با ۹۰٪ احتمال صفر و با ۱۰٪ احتمال ۱۰۰ هزار دلار گردد، درست است که ارزش منتظره ۱۰ هزار دلار می‌شود لیکن این مبلغ معنی‌دار نبوده و بیانگر مبلغ قابل پرداخت احتمالی نخواهد بود. اگر بالاترین احتمال پرداخت تعهدی مثبت باشد، آن بدهی وجود داشته و مبلغ آن بایستی برآورد شود اما اگر تعهد، احتمال زیادی برای صفر شدن داشته باشد، این تعهد بایستی در یادداشتهای پیوست صورتهای مالی افشا گردد. تعهدات مربوط به ضمانت‌ها بدهیهای مسلمی هستند زیرا احتمال زیادی وجود دارد که برای تعدادی از آنها مطالبه پرداخت بشود ولی کل مبلغ می‌بایست برآورد شود. طرح دعوی قانونی علیه شرکت برای دریافت خسارت یک بدهی احتمالی می‌باشد مشروط بر اینکه احتمال پیروزی شرکت در مورد دعوی مطروحه نسبتاً زیاد باشد ولی اگر برای شرکت تقریباً مسلم باشد که محکوم خواهد شد در این صورت بدهی وجود داشته و مسئله اصلی برآورد ارزش منتظره خسارت تعیین شده خواهد بود. در مورد دعوی قانونی ممکن است حسابداران قادر نباشند محتمل‌ترین مبلغ خسارت را برآورد نمایند بنابراین بهترین شکل افشا به صورت توضیح کامل در یادداشتهای پیوست صورتهای مالی و یا در جای دیگری خواهد بود.

## یادداشتهای:

- ۱- در تهیه این کتاب از چاپ چهارم سال ۱۹۷۰ فرهنگ حسابداران استفاده شده است. در چاپ پنجم سال ۱۹۷۵ در صفحه ۳۰۵ در بند سوم بدهیها را به این شرح تعریف می‌کند:
- " بدهیها از دست دادن احتمالی منافع اقتصادی یک واحد تجاری خاص در اثر وجود تعهدات قانونی، عادلانه، ضمنی (Constructive) برای انتقال دارایی یا ارائه خدمات به اشخاص دیگر در آینده به عنوان نتیجه معاملات یا رویدادهای گذشته آن واحد می‌باشد."
- ۲- اصل ۱۱ صفحه ۲۰ کتاب نظری بر اصول متداول حسابداری نوشته آقای پرویز افتخار جواهری حاکی است که:

بقیه در صفحه ۱۱